

## عوامل مؤثر بر تعارض‌ها و اختلافات خانوادگی

جامعه مدرن (با تأکید بر آیات و روایات)

سبینه محمدآوا<sup>۱</sup>

حلیمه خاتون حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

شرط پویایی و استواری خانواده در گرو وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران است. با شکل‌گیری مدرنیته و حرکت جامعه انسانی به سمت شکوفایی در تمام ابعاد، انتظار می‌رود به همان نسبت روابط بین انسان‌ها به خصوص همسران نیز به ایده‌آل خود برسد. زوجین با پیشرفت تکنولوژی ابعاد جدیدتر و فکرهای ناب‌تری برای تحکیم روابط خویش در نظر گرفته و خانواده‌ای پایدار با کمترین آسیب اجتماعی تشکیل دهند، اما بررسی‌های انجام شده نشان از آن دارد که جامعه مدرن امروزی نیز در حوزه خانواده دچار بحران‌های اساسی شده و به مراتب بیشتر از خانواده‌های جامعه سنتی در سراسرایی فروپاشی قرار گرفته‌اند. عواملی این فروپاشی را سرعت بخشیده است که شناخت این عوامل می‌تواند به بازایی مطلوب روابط یاری رساند. این مقاله با رویکردی توصیفی، تحلیلی به بررسی این عوامل با نگاه درون‌دینی پرداخته است. قرآن کریم و روایات به عنوان عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص پرداخته و وجود برخی عوامل در فروپاشی خانواده دخیل دانسته است. نتایج نشان از آن دارد که دوری از معنویت و دست‌آویز قراردادن افراطی تکنولوژی تنهایی انسان را افزایش داده و روابط خانواده را به سوی فروپاشی سوق داده است.

**واژگان کلیدی:** روایات، عوامل فروپاشی، خانواده، مدرنیته.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مدرسه تخصصی خواهران جامعه المصطفی ﷺ العالمیه/

۲. پژوهشگر انجمن مطالعات زنان و خانواده جامعه المصطفی ﷺ العالمیه/

## مقدمه

امروزه نهاد خانواده که به عنوان مهم‌ترین رکن اجتماع به شمار می‌آید در خطر جدی فروپاشی قرار گرفته است. اگرچه مجامع بین‌المللی مرتبط با خانواده، به دنبال راهکارهای مختلفی برای حفظ کانون خانواده هستند، لیکن این راهکارها به دلیل فقدان اسلوب‌های دینی پس از مدتی با شکست روبه‌رو می‌شود. اسلام نیز عنایت ویژه‌ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد. موضوع خانواده در اسلام، به طور کلی در سه محور، قابل بحث و بررسی است؛ تشکیل خانواده، عوامل تحکیم و تعالی خانواده و نیز آسیب‌ها و عوامل فروپاشی آن. اسلام در هر سه زمینه، رهنمودهای بسیار مهم و سازنده‌ای دارد. قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به عنوان دو منبع اصیل اسلامی، دارای آموزه‌ها و دستوراتی برای تحکیم خانواده هستند که عمل به این آموزه‌ها می‌تواند خانواده‌ها را از سقوط و انحطاط باز دارد در کنار آموزه‌هایی برای تحکیم به عوامل انحطاط و فروپاشی نیز اشاره دارند.

در خصوص خانواده و موضوعات مرتبط، به دلیل اهمیت موضوع، تألیفات فراوانی صورت گرفته است، اما در این میان برخی منابع یا به طور کلی به موضوع خانواده پرداخته‌اند، اما در خصوص عوامل فروپاشی و انحطاط خانواده از دیدگاه قرآن تحقیقات محدودی صورت گرفته است.

ورود مدرنیته از غرب به شرق این نگرش را در برخی اذهان روشنفکران ایجاد کرد که می‌توانند به مدد مدرنیته همه چیز به خصوص خانواده را مدرن کرده و موفقیت‌هایی که غرب در محور خانواده دارد را به شرق منتقل کرده و جامعه را به سعادت برسانند. به همین دلیل به بحث از مسائلی چون تساوی حقوق و آزادی بی‌قید و شرط اعضای خانواده اشاره کردند.

شهید مطهری در این خصوص می‌گوید:

در دنیای غرب هم که به نام تساوی حقوق انسان‌ها حقوق خانوادگی را از صورت طبیعی خارج کرده‌اند و سعی می‌کنند علی‌رغم قانون طبیعت، زن و مرد را در وضع مشابهی قرار دهند و فرمول‌های مشابهی در زندگی خانوادگی

به عهده آن‌ها بگذارند، آنجا که به اصطلاح پای عشق آزاد به میان می‌آید و قوانین قراردادی آن‌ها را از مسیر طبیعت خارج نکرده است، مرد همان وظیفه طبیعی خود، یعنی نیاز و طلب و مایه گذاشتن و پول خرج کردن را انجام می‌دهد، مرد به زن هدیه می‌دهد و متحمل مخارج او می‌شود، در صورتی که در ازدواج فرنگی مهر وجود ندارد و از لحاظ نفقه نیز مسئولیت سنگینی به عهده زن می‌گذارند. یعنی معاشقه فرنگی از ازدواج فرنگی با طبیعت هماهنگ‌تر است. مهر یکی از نمونه‌هایی است که می‌رساند زن و مرد با استعدادهای نامتشابهی آفریده شده‌اند و قانون خلقت از لحاظ حقوق فطری و طبیعی سندهای نامتشابهی بدست آن‌ها داده است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۲۹)

بنابراین جامعه مدرن نه تنها نتوانست، خانواده را به ثبات برساند، بلکه خود در حوزه خانواده دچار بحران‌های متعددی گشت. نوشتار حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی عوامل انحطاط خانواده در جامعه مدرن از دو منظر جامعه‌شناسی و دینی پرداخته و پاسخگوی این سؤال خواهد بود. چه عواملی موجب فروپاشی بنیان خانواده در جامعه مدرن است؟

### ۱. عوامل جامعه‌شناسی فروپاشی خانواده

بررسی علل مشکلات خانوادگی که گاه خانواده‌ها را تا فروپاشی کامل می‌رساند از منظر جامعه‌شناسی به عوامل متعددی بستگی دارد که در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی-فرهنگی، دینی، اقتصادی و جسمانی قرار می‌گیرند. اکنون با اذعان به تفاوت میزان نقش این عوامل در اختلافات خانوادگی، به بررسی اجمالی آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱.۱. دعوای خانوادگی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی در جامعه کنونی، دعوای خانوادگی است که ارکان خانواده را سست می‌کند و سلامت روانی اعضای آن را به خطر می‌اندازد. آسیب‌ها و ستیزه‌های خانوادگی، پدیده‌ای بسیار پیچیده و چندوجهی

است که باید آن را از دیدگاه‌های گوناگون روانی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و ارتباطی بررسی کرد.

## ۲.۱. طلاق

از آنجا که یکی از کارکردهای خانواده، ایجاد امنیت و محل تسکین می‌باشد، عدم توجه به این اصل و نبود عشق در زندگی زناشویی در کنار دیگر عوامل، زمینه‌ساز پدیده طلاق است. آثار ویرانگر طلاق برای زوجین و فرزندان بسیار چشمگیر است. بالا بودن گرایش به طلاق و دعوای دامن‌داری که روزگاری همراه با تلخ‌کامی را برای تمامی اعضای خانواده رقم می‌زند، در این زمینه تأمل‌برانگیز است. نکته مهم این است که به دلایلی گوناگون، شمار اندکی از زندگی‌های مشترک در جامعه ما به طلاق می‌انجامد، ولی نبود عشق که به نسبت‌ها و شدت‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند، جلوه‌های بسیار متفاوتی می‌تواند بیابد که دل‌زدگی در روابط زناشویی و نارضایتی از زندگی مشترک، نمونه آن است. به هر حال، برآورده نشدن نیازهای عاطفی افراد، ساختار زندگی مشترک را بسیار سست می‌سازد و زمینه را برای از هم گسستن پیوند آماده می‌کند.

عواقب و پیامدهای احتمالی طلاق بر دو حوزه فرد و اجتماع تأثیرگذار است که می‌توان گفت بیشترین اثر تخریبی را روی فرزندان طلاق خواهد داشت. از جمله پیامدهای روانی و اجتماعی طلاق را بر فرزندان خانواده، می‌توان چنین برشمرد:

۱. بزهکاری کودکان و نوجوانان، ناسازگاری‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی آنان؛
۲. فحشا به ویژه در نتیجه فقر و ناآگاهی؛
۳. اعتیاد زنان، مردان و کودکان و استفاده از آنان در پخش مواد؛
۴. پرخاشگری و ناسازگاری کودکان؛
۵. کاهش امید به زندگی آینده در میان کودکان طلاق، از این‌رو بی‌توجه به مسائل اطرافیان و حتی آینده مملکت خود خواهند شد و نسبت به دیگر کودکان کمتر مسئولیت می‌پذیرند و در

موارد فراوانی متمایل به بزهکاری می‌شوند. (ندا کریمی،

۱۳۹۲: ۵۳)

### ۳.۱. مسائل شناختی

از عوامل مؤثر در اختلافات خانواده، مسائل شناختی و هوش زوجین است. نقص در رشد و تحول اجتماعی و عقلانی و به عبارتی عدم پختگی، موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب با شرایط مختلف می‌شود. افزون بر این، واکنش مناسب به رفتارهای دیگران نیز نیازمند تحول‌یافتگی مناسب است. همین مسئله، زمینه‌ای برای اختلاف زن و شوهر می‌گردد. در بسیاری از موارد، افراد، آشنایی کافی از وظایف و حقوق متقابل هم ندارند و به همین جهت گاه در انجام وظایف و رعایت حقوق دیگران ناموفق‌اند.

کم‌سنّ و سالی زن و مرد، از عوامل دیگر این امر است؛ به‌گونه‌ای که پس از مدتی با فروکش کردن نسبی هیجان جنسی، نبود رشد کافی یا بروز رفتارهای ناسازگارانه روشن می‌شود. این مشکل در جامعه ما نیز دیده می‌شود. (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۵۴) طبق پژوهش، سن ازدواج زنان در شرف طلاق در مقایسه با بقیه افراد به طور معناداری کمتر است. (میراحمدی زاده، ۱۳۸۲: ۶۰) تفاوت زیاد در بهره‌های هوشی زن و مرد نیز زمینه‌ای برای اختلاف آن‌هاست. از آنجا که هوش در انجام رفتار سازگار بسیار مؤثر است، فاصله زن و شوهر در آن به فاصله رفتارها منجر می‌شود. همچنین درک متقابل نیز در صورت تفاوت هوشی بسیار مشکل می‌شود و افراد را در ابراز واکنش مناسب دچار تعارض خواهد کرد. (عسگری، ۱۳۸۰: ۲۶۰)

برخی از اختلاف‌های زن و مرد، به چگونگی روابط کلامی و غیر کلامی آن‌ها مربوط می‌شود. عواملی در تعامل زن و مرد مانند سایر تعامل‌های اجتماعی، اخلال ایجاد می‌کند. بسیاری از افراد تصور می‌کنند، دیگران از مقاصد و مسائل آنان آگاهی دارند و همین امر موجب می‌شود در روابط کلامی، همه نکته‌ها را بیان نکنند و با کنایه و استعاره صحبت کنند. استفاده از کلمات مبهمی مانند «این»، «آن» و «چیز»، هم مانعی برای تفاهم است. افراد گاه در مقام توضیح و بیان مسائل، از

کلماتی که متضمن معنای داوری و قضاوت است استفاده می‌کنند، همین امر موجب می‌شود که ناخواسته، دست به داوری بزنند.

نکته دیگر آنکه برخی افراد برای بیان قدرشناسی، کمتر از الفاظ استفاده می‌کنند، درحالی‌که در انتقاد و ایراد گرفتن، صراحت بیشتری دارند و کم‌رویی نشان نمی‌دهند. (ویرجینیا ستیر، بی‌تا: ۹۰-۶۹)

در متون اسلامی به اثر مخرب جدال یا بگومگو در روابط انسانی اشاره شده است. از جمله اینکه گذر زندگی را دشوار می‌کند،<sup>۱</sup> روابط عاطفی بین افراد را تضعیف کرده (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۵۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۰/۲، ح ۱) و به روابط دورویانه می‌کشانند،<sup>۲</sup> نوعی برتری‌جویی (ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۱۱/۵۵۳۸) و کینه‌ورزی (آمدی، همان: ۵۵۲۴) به دنبال دارد، حرمت و احترام فرد را کم می‌کند، (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۲)<sup>۳</sup> و در مجموع افراد را به قطع روابط می‌کشانند. (ری‌شهری، همان)

از آنجا که در بگومگوها به ویژه بین زن و شوهر، بیشتر افراد به دنبال برتری‌جویی هستند و غالباً ناهوشیارانه از رفتار مناسب تعدی می‌کنند، حتی در موردی که فرد احساس می‌کند بر حق است، توصیه می‌شود از جدال خودداری کنند. (همان: ۵۵۴۰)<sup>۴</sup>

در روابط غیر کلامی خود برتری‌بینی یا تکبر، عاملی برای اختلاف است. تکبر معمولاً در وضعیت بدنی فرد بروز می‌کند. به نظر می‌رسد خودمحوری و عدم پذیرش ویژگی‌های فردی دیگران، مانع مهمی برای تفاهم و تشریک مساعی در زندگی خانوادگی است. عدم شناسایی فردیت و تلاش‌های بیهوده در جهت یکسان‌سازی آمرانه فضای خانواده، هزینه‌های عاطفی سنگینی را بر اعضای آن

۱. «لَمْ يُصْبِحْ لَيْلُهُ». (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱)

۲. «إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْحُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِحْوَانِ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِنَّمَا النَّفَاقُ». (همان)

۳. «مَنْ صَنَّ بَعْضُهُ فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ».

۴. «وَ أَنْ يَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا».

تحمیل می‌کند که از خودیگانگی اعضا کم‌ترین و فروپاشی خانواده بزرگ‌ترین پیامد این رفتار و نگرش است. از این رو در متون اسلامی نکوهش‌های متعددی در مورد تکبر و خودمحوری وارد شده (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ ری شهری، همان: ۱۱/۵۰۷۶) حتی گفته شده است که اگر ذره‌ای تکبر در وجود فرد باشد، وارد بهشت نمی‌شود. (کلینی، همان: ۳۰۹/۲)<sup>۱</sup>

در روابط عاطفی، عدم توجه به نیازهای یکدیگر، به نارضایی در زندگی و اختلاف منجر می‌شود، گاه روابط عاطفی اعضای خانواده با افراد بیرون خانواده قوی‌تر و با خود اعضای خانواده سرد و منفی است. چنین خانواده‌ای مشکلات جدی عاطفی خواهد داشت و اعضا، خانواده را محیط مناسبی برای ارضای نیازهای عاطفی خود نخواهند دید. در روابط عاطفی، بی‌اعتنایی و نفرت، وابستگی، حسادت و خودخواهی، موجب کشمکش‌ها در خانواده‌هاست. (قائمی، ۱۳۶۳: ۲۹۴)

#### ۴.۱. عدم ارضای نیازهای جنسی

عدم ارضای نیازهای جنسی، به هر دلیل عاملی دیگر برای اختلاف زن و شوهرهاست. عدم توجه به نیازهای جنسی یکدیگر که به ناتوانی، بی‌میلی یا سردمزاجی فرد مربوط می‌شود، با لطمه به روابط زن و شوهر، افراد را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به همسر و زندگی می‌سازد و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت افسردگی می‌شود.

گاه ایرادگیری از هم، نارضایتی از زندگی، قهرهای طولانی، کوبیدن یکدیگر، تهدید به جدایی، ابراز خستگی و تمارض، از عوارض برآورده نشدن نیازهای جنسی زن و شوهر است. (عسگری، همان: ۲۴۴) ارضای نیازهای جنسی در خارج از محدوده خانواده نیز عامل مهمی برای اختلافات زن و شوهر است که در جامعه ما نیز دیده می‌شود.

۱. «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ».

در متون اسلامی نیز بر اهمیت روابط جنسی در نظام خانواده و تأثیر کوتاهی هریک از زوجین و نیز تأثیر رفتارهای جنسی خارج از محدوده خانواده بر تشدید اختلاف‌ها تأکید شده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۱۸۳-۱۲۹) عدم آمادگی مرد و رفتار نامناسب او در این زمینه (همان: ۱۴/۱۸۳) مشغولیت عاطفی مرد به نامحرمان (همان: ۱۸۸ و ۱۴۳) و عدم توجه به نیازهای مناسب زن (همان: ۱۴/۸۳ و ۱۰۰) و نیز رفتارهای خلاف شرع در گفتار و حرکات زن که بار جنسی دارد، به روابط جنسی مناسب و مطلوب زن و شوهر آسیب‌زده و زمینه را برای مشکلات و فروپاشی خانواده فراهم می‌کند.

### ۱.۵. عوامل اجتماعی و فرهنگی

هر خانواده، فرهنگ ویژه‌ای دارد که به اموری مانند نگرش خصوصی خانواده در رفتارها، سنت‌ها و چگونگی روابط با دیگران، مربوط می‌شود.

زن و شوهر در دو خانواده جدا رشد یافته‌اند، در نتیجه، تفاوت‌های فرهنگی، علایق و سلیقه‌ها دارند که در روند سازگاری زوجین باید برخی از ویژگی‌ها و سلیقه‌ها را پذیرفت و برخی را کنار گذاشت. عدم توجه به این امر، موجب اختلاف و ناسازگاری می‌شود.

نوع تربیت هر خانواده نیز متفاوت است؛ به گونه‌ای که شوخی‌ها و سایر رفتارهای احتمالا آزاردهنده در هر خانواده در محدوده خاصی و متفاوت با خانواده دیگری است. بی‌توجهی به همین نکته نیز می‌تواند موجب اختلاف زن و شوهر شود.

عامل دیگری که در اختلافات خانواده نقش مهمی دارد و بی‌ارتباط با فرهنگ ویژه خانواده‌های اصلی زن و شوهر نیست، دخالت‌های دیگران در تصمیمات و امور زندگی خانواده جدید است. این عامل از نظر فراوانی، در رتبه دوم عوامل مؤثر در طلاق قرار دارد.

زندگی شهری و توسعه صنعت نیز زمینه‌ای برای اختلاف در خانواده است و تفاوت این نوع زندگی با زندگی‌های پیشین را به راحتی می‌توان در سرنوشت ازدواج‌ها ملاحظه کرد (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۱۷-۷)

گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از خانواده‌های اصلی و حمایت آن‌ها، تفاوت‌های فرهنگی بین زن و مرد، همه این امور می‌تواند زمینه‌ای برای اختلاف در خانواده باشد. اختلاف بسیار در تحصیلات، موجب انتظارات متفاوت می‌شود و همین امر درک متقابل را دشوارتر می‌سازد.

از ویژگی‌های زندگی صنعتی و پیشرفته کنونی، تأثیر بسیار شدید و عمیق محیط اجتماعی بر خانواده‌هاست. امروزه خانواده‌ها با گستره وسیعی از افراد با ویژگی‌های گوناگون تعامل دارند.

افراد در معاشرت با دیگران، خواه‌ناخواه و هوشیارانه یا به طور ناهوشیار، ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آن‌ها را در خود جا داده (آمدی، همان: ۲۰۵۹)<sup>۱</sup> و با آن‌ها همانندسازی می‌کنند. اعضای خانواده‌ها، به ویژه زن و شوهر ممکن است در اثر معاشرت‌های مختلف، شیوه‌هایی را در پیش گیرند که زمینه‌ای برای اختلاف درون خانواده بشود. در تعالیم اسلامی نیز به نوع معاشرت و تأثیر عمیق آن توجه شده است.<sup>۲</sup> برای نمونه از معاشرت با افراد نادان و کم‌خرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۱۹۸) بزهکاران و افراد دارای رفتارهای نامناسب، نهی شده است. (آمدی، همان: ۲۶۰۱)

بخشی از تأثیر محیط که بیش از روابط اجتماعی و معاشرت‌ها بر خانواده تأثیر دارد، رسانه‌های جمعی، خصوصاً رادیو و تلویزیون است. اکنون گردهمایی شبانه خانواده، صرف غذا و حتی گفتگوی اعضای خانواده، ضمن تماشای تلویزیون صورت می‌گیرد. ارتباطات در خانواده‌ها معمولاً با توجه به تلویزیون، بریده و منقطع می‌شود. البته خانواده‌های کم‌درآمد و کم‌سواد بیش‌تر از تلویزیون استفاده می‌کنند، درحالی‌که سایرین با ورزش، مسافرت، مطالعه کتاب و امور دیگر، اوقات فراغت خود را صرف می‌کنند. (اعزازی، ۱۳۸۵: ۵۴) در حال حاضر، افراد در خانواده‌ها بسیاری از فرصت‌های تعامل با یکدیگر را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. صرف

۱. «الْأَصْدِقَاءُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ فِي جُسُومٍ مُتَفَرِّقَةٍ».

۲. ری شهری، همان: ۱۰۱ (مجالست)، ۲۹۰ (صدیق)، ۳۴۸ (معاشرت).

۳. «وَإِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ».

نظر از آثار مثبت تلویزیون، از جمله آثار تربیتی، تنویر افکار عمومی، آموزش، هدایت و کمک به افراد و حتی ایجاد وحدت در خانواده با جمع کردن افراد در خانه(وهایی، ۱۳۷۸: ۹۳) نباید از اثرات منفی آن غفلت نمود.

زندگی خانوادگی نمایش داده‌شده در تلویزیون ایران با سنت‌های خانوادگی متفاوت است. این مسئله در مورد زن و شوهر، والدین و فرزندان، مسئولیت مادری، رابطه میان خواهران و برادران، به راحتی قابل مشاهده است. (اعزازی، همان: ۱۴۰-۹۶) این امور، زمینه مناسبی برای بروز تعارض در خانواده فراهم می‌کند و به همین جهت باید نقش تلویزیون را در کشمکش‌های خانوادگی جدی بگیریم.

### ۱.۶. عوامل اقتصادی

بخش مهمی از اختلاف‌های خانوادگی، ریشه در مسائل اقتصادی دارد. طبق تحقیقی در ایران، از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بیکاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام نمودند. علاوه بر این، ۶/۴۹٪ اعلام کردند که میزان دستمزد آنان در موقع طلاق برای زندگی‌شان کافی نبوده است(فرجاد، همان: ۲۰۸) فقر و بیکاری، به‌ویژه مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و عاملی برای تعارض‌ها می‌شود. در متون اسلامی نیز بر تأثیر منفی این مشکل بر نهاد خانواده ری‌شهری، همان: ۱۰/۶۲، ۶۴، ۶۰) و آثار ناخوشایند فقر در زندگی دنیا و آخرت اشاره شده است. افزون بر این، توقعات مادی زیاد در خانواده نیز ممکن است موجب تعارض و اختلاف شود، زیرا در صورتی که مرد توان برآوردن خواسته‌های روزافزون اعضای خانواده را نداشته باشد، با تندی به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد و زمینه رفتارهای ناسازگارانه را فراهم می‌کند یا حالت تسلیم و درماندگی را پذیرفته و سر رشته امر را از کف می‌دهد و در هر صورت، نظام خانواده دچار مشکلات و اختلافات جدی خواهد شد.

از سوی دیگر، تجمل‌طلبی و غوطه‌ور شدن در مواهب مادی و احساس بی‌نیازی مستانه نیز موجب رفتارهای برتری‌طلبانه(علق، ۶-۷)<sup>۱</sup> و ناسازگاری می‌شود. گاه

۱. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيْطْغَى، أُنْ رَّآهُ اسْتَغْنَى».

رسیدن ناگهانی خانواده به ثروت نیز، عاملی برای خودفراموشی و سرکشی و اختلاف می‌شود. توجه زیاد به تجملات و ظواهر زندگی، زمینه‌ای برای دور شدن از روابط انسانی مناسب را فراهم کرده<sup>۱</sup> و افراد را از خود بیگانه می‌کند. در این حالت ارزش‌های اخلاقی و دینی جای خود را به امتیازات مادی و تجملی می‌دهد. از آنجا که انسان در این موارد سیری ناپذیر است.<sup>۲</sup> هیچ‌گاه از زندگی و تعامل با دیگران رضایت نخواهد داشت (کلینی، همان: ۳۱۶/۲-۱۳۸) و سپاسگزاری در او کم‌رنگ شده، در نتیجه روابط افراد به سردی و نفرت مبدل می‌شود.

مسائل مربوط به اشتغال مرد و زن نیز ممکن است زمینه برخی اختلافات شود. تصدی برخی مشاغل، ممکن است در فرهنگ ویژه خانواده زن یا مرد، نامناسب به نظر آید و موجب کشمکش زن و شوهر گردد. اشتغال زنان در بیرون از خانه با توجه به سنگینی مسئولیت‌های آنان در فرهنگ ما ممکن است آنان را از ایفای مسئولیت‌های خانوادگی ناتوان کرده و موجبات اختلاف را فراهم آورد. گاه اشتغال زن زمینه‌ای برای استقلال‌طلبی است که به نوعی کیان خانواده را به خطر انداخته است. همچنین کار بیش از حد که موجب حضور کمتر در محیط خانواده می‌گردد، به روابط عاطفی مناسب ضربه زده و موجبات اختلاف را فراهم می‌کند.

## ۲.۱. عوامل جسمانی و بدنی

از عوامل مؤثر بر اختلاف در خانواده، بیماری‌های جسمانی است که سازگاری‌های جدی‌تری را می‌طلبد و ممکن است اعضای خانواده، توانایی سازگاری با آن‌ها را نداشته باشد. نازایی زن یا مرد ممکن است به سردی فضای عاطفی خانواده منجر شود. فرزندداری در مرد نشانه کمال و در زن نوعی شکوفایی استعداد است.

فرزند نداشتن از مشکلات جدی برخی از خانواده‌هاست که گاه لاینحل باقی می‌ماند. ویژگی‌های ظاهری و زیباشناختی نیز مسئله مهمی در خانواده است که

۱. «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ». (نهج البلاغه، حکمت ۵۸)

۲. «مَنْهُمُ فِي الدُّنْيَا لَا يَسْتَبِعُ عَهْدَهَا». (مجلسی، همان: ۳۵/۲)

ممکن است در اثر عوارض بعد از ازدواج، مانند معلولیت و بیماری پدید آید. این مشکل بیشتر برای زن و مردهایی پدید می‌آید که بدون توجه به زیبایی‌های ظاهری، اقدام به ازدواج نموده و پس از مدتی این نکته‌ها برای آن‌ها برجسته شده است. ناتوانی جنسی نیز از این موارد است که قبلاً به آن اشاره شد.

اعتیاد از نظر فراوانی، سومین عامل اختلاف و درخواست طلاق در ایران بوده و ۱۸٪ موارد علت درخواست طلاق را تشکیل می‌دهد. (فرجاد، ۱۳۷۲: ۲۰۸) این امر موجب رفتارهای نابهنجار و در نهایت، ناسازگاری می‌شود. معمولاً اعتیاد توسط پدر وارد خانواده می‌شود و او برای حفظ رابطه همسری و جلوگیری از فروپاشی خانواده، همسر را نیز به مشارکت در مصرف مواد سوق می‌دهد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد، بسیاری از زنان با بردباری و استواری تا آخرین نفس برای نجات خانواده تلاش می‌کنند. آنان در طول زمان، به دلیل وحشت از آبروریزی و پرهیز از رسوایی، دم فرو می‌بندند و با شرایط خو می‌گیرند و مشکلات اقتصادی شدیدی را متحمل می‌شوند، در نهایت نیز گاه زن، راه طلاق یا ناسازگاری را در پیش می‌گیرد. ارکان خانواده در این وضعیت، دچار سستی و تزلزل می‌شود و خانه به محیطی ناامن تبدیل می‌گردد. در این گونه خانواده‌ها سرنوشت کودکان به گونه‌ای نامطلوب و خطرناک رقم می‌خورد و زمینه بزه‌کاری در اثر همانندسازی با والدین در کودکان فراهم می‌شود. در صورتی که در شرایط حاد نتوان خانواده را از این آسیب اجتماعی و فروپاشی بازداشت، نجات کودکان از محیط فاسد خانواده و پیش‌گیری از زوال اخلاقی و اجتماعی آن‌ها، ضروری است. (کار، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۴ و ۴۵-۴۱)

## ۲. عوامل اختلافات و فروپاشی خانواده در آیات و روایات

عدم توجه اعضای خانواده به باورهای دینی و انجام رفتارهای خارج از محدوده مجاز شرعی، زمینه را برای ضربه به روابط عاطفی مثبت اعضای خانواده و بروز اختلاف می‌شود. بخشی از این امر به عدم رعایت موازین شرعی در روابط زن و مرد مربوط می‌شود. همه رفتارها، حالت‌های عاطفی و صفت‌هایی که در دین اسلام گناه محسوب می‌شود، به روابط مناسب اعضای خانواده آسیب می‌رساند. در این جا به مواردی که بیش‌تر بر خانواده اثر دارد اشاره می‌شود:

## ۲.۱. بدحجابی یا بی حجابی زن

یکی از دلایل اختلافات و چه بسا فروپاشی خانواده، بدحجابی یا بی حجابی زن می باشد که یک آسیب است که هم به جامعه و هم به فرد تعلق می گیرد. خداوند در قرآن برای رفع این مانع می فرماید:

«و به زنان با ایمان بگو، از بعضی از نگاه‌های خود (نگاه‌های غیرمجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آن چه (به‌طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌شان نیز پوشیده شود و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، با پدر و پدر شوهر خود، با پسر خود، یا زنان هم‌کیش خود یا آن چه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده) یا مردان خدمت‌گزار که تمایل جنسی ندارند. یا کودکانی که (به سن تمیز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آن چه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مومنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید»<sup>۱</sup>.

در ذیل این آیه مفسران می نویسند:

«خداوند با دقت خاص یکی یکی محارم و وظایف زنان می شمرد، از این فهمیده می شود جدیت در مسئله به چه اندازه مهم می باشد، زیرا پرهیز از بی عفتی و بی -حجابی زن این عواقب را دارد:

آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیش‌گیری از امراض مقاربتی و روانی، پایین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت‌های منفی، حفظ شخصیت و

۱. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور):

انسانیت زن و نجات او از چشم‌ها و دل‌های هوس‌بازان که امروز در دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ذیل آیه)

## ۲.۲. فقدان پاکدامنی زن

یکی دیگر از عوامل تزلزل خانواده و یکی از مهم‌ترین عامل‌ها، می‌تواند عدم پاک‌دامنی زن باشد و خداوند در قرآن مثال آن را چنین می‌زند:

«و زنی که یوسف در خانه او بود. یوسف از طریق مراوده و ملایمت تمنای کام‌گیری کرد و درها را (برای انجام مقصودش) محکم بست و گفت برای تو آماده‌ام. یوسف گفت پناه بر خدا، او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته، قطعاً ستمگران رستگار نمی‌شوند»<sup>۱</sup>.

گناهان بزرگ با نرمش و مراوده شروع می‌شود. پاک بودن مرد کافی نیست، زیرا گاهی زن‌ها مزاحم مردان هستند. قدرت شهوت به اندازه‌ای است که حتی همسر پادشاه را نیز اسیر و برده خود می‌کند. لذا پسران جوان را در خانه‌هایی که زنان نامحرم هستند نباید تنها گذاشت، زیرا احتمال دارد باب مراوده باز شود، معمولاً عشق در اثر مراوده و به تدریج پیدا می‌شود. حضور مرد و زن نامحرم در یک محیط در بسته زمینه را برای گناه فراهم می‌کند.

## ۲.۳. زنا

یکی دیگر از عوامل اختلافات خانوادگی و چه بسا فروپاشی آن، عمل زنا از جانب مرد یا زن است. و از همین جا علّت و حکمت سخت‌گیری دین در مجازات زن یا مرد زناکار هویدا می‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم:

۱. ﴿وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾. (یوسف: ۲۳)

«هریک از زن و مرد زناکار را تا صد تازیانه بزیند و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند».<sup>۱</sup>

محسن قرآتی ذیل تفسیر این آیه و در مذمت زنا می‌گوید: «آزادی جنسی و روابط نامشروع ممنوع است چون نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات زنا از مردان بیشتر است. به خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است، به همین دلیل کلمه «زانیه» قبل از «زانی» آمده است. تنبیه بدنی مجرم برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم است و در روابط نامشروع هر دو طرف به یک میزان تنبیه می‌شود و حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود. در مجازات مجرمین ترحم و تحت تأثیر عواطف قرارگرفتن ممنوع است» (قرآتی، ۱۳۸۳: ۸/۱۴۳)

در روایت اسلامی، امور زیرین به عنوان مفسد و پیامدهای ناگوار این عمل شنیع برشمرده شده:

- ارتکاب قتل به وسیله سقط جنین؛
- برهم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی؛
- ترک تربیت فرزندان؛
- از بین رفتن موازین ارث (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)

#### ۴.۲. سخن چینی

سخن چینی که در آن گفتار افراد به واسطه نفر سومی به هم منتقل می‌شود، می‌تواند اختلاف بین دو نفر را تشدید کند. گاه افراد در غیاب دیگران، سخنانی درباره آنان بیان می‌کنند که در حضور آنها هیچ‌گاه این سخنان را ابراز نمی‌کنند. نفر سومی که این سخنان را به طور مرتب به آنان انتقال می‌دهد، شعله اختلاف را افروخته‌تر

۱. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسَ لَهُمَا عَذَابٌ طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (نور: ۲)

می‌کند و به همین جهت در متون اسلامی، سخن‌چینی بسیار مذمت شده است (قلم: ۱۱)

## ۵.۲. چشم‌چرانی

یکی دیگر از عوامل فروپاشی خانواده، چشم‌چرانی می‌باشد و خداوند نیز در این رابطه می‌فرماید:

«به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک‌تر ماندن آنان بهتر است. خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاه است»<sup>۱</sup>.

مفسرین ذیل تفسیر آورده‌اند:

لازمه ایمان، حفظ نگاه از حرام است. جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد. گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوی را از چشم شروع کنیم. چشم پاک مقدمه پاک‌دامنی است. پوشش برای مردان نیز واجب است. چشم‌چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان است و چشم‌چرانی در محضر خداست. (در محضر خدا معصیت نکنیم) «یغضوا» از ماده «غض» به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته شده است. بنابراین آیه نمی‌گوید: مؤمنان باید چشم‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید: باید نگاه خود را کم کنند. و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به‌راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می‌شود بخواهد چشم‌چرانی کند و خود را به کلی به او ببندد، ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست. اما نگاه را از صورت و اندام او برگرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۷/۱۴)

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ». (نور: ۳۰)

## ۲.۶. غیبت، تهمت و تمسخر

یکی دیگر از عامل فروپاشی خانواده، غیبت، تهمت و تمسخر است که در بیشتر خانواده‌ها صورت می‌گیرد. متأسفانه کم است فردی یا خانه‌ای که مبتلا به غیبت، تهمت، شایعه و دروغ نباشد. عیبجویی جلوی فرد یا پشت سرش به اندازه‌ای گناهِش بزرگ است که قرآن می‌فرماید: «وای بر هر عیب‌جوی و مسخره‌کننده‌ای!»<sup>۱</sup>

یعنی آن‌هایی که با نیش زبان و حرکات دست و چشم و ابرو در پشت سر و پیش‌رو، دیگران را استهزا کرده یا عیب‌جویی و وغیبت می‌کنند یا آن‌هایی را هدف تیرهای طعن و تهمت قرار می‌دهند. (مکارم‌شیرازی، همان: ۲۷/۳۰۹) و «هُمَزَه» کسی را گوید که همنشین خود را با سخنان زشت آزار دهد و «لُمَزَه» آن کسی است که با چشم و سر علیه همنشین خود را اشاره کند و به اصطلاح فارسی تقلید او را درآورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۱۵) این در خانه مصادیق مختلفی دارد مثلاً خانم یک غذایی پخته، باب طبع آقا نیامده مسخره می‌کند، یا آقا یک چیزی را از بازار خریده برای خانه، باب طبع خانم نیست و خانم دست می‌اندازد.

قرآن کلمه «ویل» یعنی «وای بر تو!» را به کار برده است. بعد همین سوره عاقبت مسخره‌کننده را جهنم می‌داند. همچنین حقیقت غیبت در بیان قرآن، گوشت برادر مؤمن را خوردن است. غیبت کردن «لاشخوری» است. معلوم است آن خانه‌ای که محل خوردن لاشه باشد، برکت، لطف و نظر خدا بر آن نیست و این خانه تقدس ندارد.

بدتر از غیبت، تهمت است، یعنی چیزی که در کسی نباشد، پشت سر او یا در روی او بگویند، فرقی با غیبت این است که وقتی پشت سرش عیب او را می‌گویند که این تهمت است. بعضاً در خانواده می‌بینی که مرد برای توجیه کار قبیح خود و در بین مردم مورد سرزنش واقع نشود به همسرش نسبت ناروایی چه از طریق کلام باشد و چه از طریق رفتار به وی می‌دهد که باعث آزار و اذیت همسر می‌شود که زن مرتکب آن کار و آن سخن نبوده از سوی شوهر متهم می‌شود. و چه رنج‌آور است

۱. «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ». (همزه: ۱)

که انسان یک عمر در بالین هم‌دیگر زندگی کند و شخص را نشناسد که روزی برای توجیه کار خویش همسر را مورد تهمت و تمسخر واقع قرار دهد.

## ۷.۲. عدم رازداری زن

عدم رازداری زن، یکی دیگر از عوامل اختلاف و فروپاشی خانواده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او آن راز را (نزد زن دیگر) فاش کرد و خدا پیامبر را از افشای آن آگاه نمود، پیامبر بخشی از آن (راز افشا شده) را به آن زن گوشزد کرد و از گفتن بخش دیگر (برای آنکه فاش‌کننده بیشتر شرم‌منده نشود) خودداری نمود. آن زن گفت چه کسی فاش کردن راز را به وسیله من خیر داده است؟ پیامبر گفت: آگاه به من خبر داد. اگر شما دو زن از کار خود به پیش‌گاه خدا توبه کنید (خدا توبه شما را می‌پذیرد)، چون دل شما دو نفر از حق و درستی منحرف شده است و اگر به ضد پیامبر به یک‌دیگر کمک دهید (راه به جایی نخواهید برد) زیرا خداوند و جبرئیل و صالح مؤمنان (علی بن ابی‌طالب) یار اویند و فرشتگان نیز بعد از آنان پشتیبان او خواهند بود.<sup>۱</sup>

مطابق آنچه در شأن نزول آیه آمده، این راز مشتمل بر دو مطلب بود؛ یکی نوشیدن عسل آن جناب بود نزد همسر خود زینب بنت جحش و دیگریش تحریم نوشیدن آن بر خود در آینده. و منظور از همسر غیر رازدارش در این آیه، حفصه بود که او این سخن را شنید و به عایشه بازگو کرد.

پیامبر ﷺ چون از طریق وحی، از این افشای راز آگاه شده بود، قسمتی از آن را به حفصه فرمود و برای آنکه او زیاده‌شرم‌منده و خجل نشود از ذکر قسمت دیگری

۱. ﴿وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيِّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا تَبَيَّنَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَاعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا تَبَيَّنَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ تَبَيَّنَايَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ، إِنَّ تَوْبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾. (تحریم: ۴-۳)

خودداری کرد(ممکن است قسمت اول، اصل نوشیدن عسل باشد و قسمت دوم تحریم آن بر خویشتن)

این کار افشاگری سرّ پیامبر از او سخت بود از سوی همسران که او از آنان تصمیم بر کناره‌گیری کرد که خداوند از پیامبر ﷺ دفاع می‌کند و به همسران حکم بر توبه می‌دهد که این کار گناه بزرگ از سوی آنان بود که باعث افشاگری سرّ صاحب خانه وحی شد.

## ۲.۸. شراب‌خواری

شراب‌خواری که موجب رفتارهای نابهنجار<sup>۱</sup> و پیامدهای نامطلوب بهداشتی و در نهایت روانی می‌شود، زمینه اختلاف را فراهم می‌کند. از این رفتار نیز در تعالیم اسلام به شدت نهی شده است. شراب‌خواری از جنبه‌های مختلفی ممکن است به خانواده آسیب برساند، به این شکل که در روابط زوجین و تنظیم روابط جنسی اختلال ایجاد می‌کند، موجب خشونت و بدرفتاری با همسر می‌شود، همسر را از نقش همسری و مادری دل‌سرد می‌کند، پایگاه اجتماعی زن را تنزل می‌دهد، در روابط با فرزندان ممکن است موجب رفتارهای نابهنجاری مانند زنا‌ی محارم شود، زمینه پرورش نسل معیوب و بیمار را فراهم کند، مراقبت از کودکان و فرآیند جامعه‌پذیری آنان را مختل کند، پایگاه اجتماعی فرزندان را تنزل دهد و بالاخره امنیت اقتصادی خانواده را متزلزل کند. (ضمیری، بی‌تا: ۲۰۳)

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾. (مانده: ۹۰)

## ۹.۲. آوازه‌خوانی و سرگرمی‌های نامشروع

از دیگر رفتارهای مخل به روابط مناسب خانواده، آوازه‌خوانی و سرگرمی‌های نامشروع است. (صدوق، ۱۳۹۲: ۸۰ / ۱، ح ۱۷۷؛ مجلسی، همان: ۲۵۲ / ۷۹ - ۲۴۱)<sup>۱</sup>

آوازه‌خوانی حرام شامل مطالب نامناسب است و اشاره به رفتارهای نامشروع دارد و لحن و آهنگ صدا نیز متناسب با چنین رفتارهایی است (انصاری، ۱۳۶۴: ۱ / ۱۰۱ و ۱۰۲) گاه با شنیدن این نوع آواز فرد از جهت عاطفی و شناختی به حالتی دچار می‌شود که زمینه بروز رفتارهای نابهنجار، از جمله روابط جنسی نامشروع در او فراهم می‌شود. (ری‌شهری، همان: ۴۴۲۰)<sup>۲</sup> مسئولیت‌ها و وظایف مهم نیز ممکن است در اثر شنیدن چنین آوازه‌هایی مورد غفلت قرار گیرد و زمینه‌ای برای اختلاف در خانواده فراهم شود. (مجلسی، همان: ۲۴۱-۲۵۲)<sup>۳</sup> و حتی برخی از سرگرمی‌هایی که حرام نیستند نیز ممکن است در شرایطی موجب اختلاف در خانواده شوند. گاه افراد با زیاده‌روی در این امر، نسبت به مسئولیت‌های خانوادگی کوتاهی نموده و زمینه اختلال در روابط مناسب را فراهم می‌آورند. ممکن است سرگرمی در تصمیمات مهم اختلال ایجاد کند<sup>۴</sup> (آمدی، همان: ۲۱۶۵) گاه افراد را به دشمنی و درگیری بکشاند<sup>۵</sup> و باورهای دینی آن‌ها را متزلزل کند.<sup>۶</sup>

۱. برای حرمت این رفتار، ادله‌ای از قرآن و کلمات معصومان وارد شده است، از جمله: حج / ۳۰ «يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَ مَا لَا يَضُرُّهُ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (لقمان / ۶)، «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ».
۲. «الْغِنَاءُ عَشُ النَّفَاقِ».
۳. «ثَلَاثٌ يُفْسِدْنَ الْقُلُوبَ اسْتِمَاعُ اللَّهِوِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ وَ إِيْتَانُ بَابِ السُّلْطَانِ».
۴. «اللَّهُوُ يُفْسِدُ عَزَائِمَ الْجِدِّ».
۵. «أَوَّلُ اللَّهُوِ لَعِبٌ وَ آخِرُهُ حَرْبٌ». (همان: ۳۱۳۲)
۶. «مَجَالِسُ اللَّهُوِ تُفْسِدُ الْإِيْمَانَ»، (همان: ۹۸۱۵) و «الْمُؤْمِنُ لَا يَلْهُوُ حَتَّى يَغْفُلَ».

همچنین سرگرمی زیاد افراد را از انجام رفتار مناسب و معقول باز می‌دارد<sup>۱</sup> و موفقیت و دستیابی اهداف را دشوار می‌سازد.<sup>۲</sup> البته اصل سرگرمی، به ویژه با همراهی خانواده امر مطلوبی است و تعالیم اسلام بر آن تأکید دارد.<sup>۳</sup>

توصیه مهم، دوری از زیاده‌روی در سرگرمی است تا افراد از انجام مسئولیت‌ها باز نمانند.

### نتیجه‌گیری

خانواده محل تسکین و آرامش روانی، و نیز به فرموده قرآن کریم، محل ذکر و تلاوت آیات الهی است، لذا در اسلام بر لزوم حفظ آن تأکید فراوانی شده. عواملی همچون دعوای خانوادگی، طلاق، عدم شناخت لازم زوجین از یکدیگر، عدم رضای نیازهای جنسی، عوامل اقتصادی، عوامل جسمانی و بدنی، از عوامل مؤثر بر بروز اختلاف در خانواده و چه بسا فروپاشی آن دانسته شده است. همچنین عدم توجه اعضای خانواده به باورهای دینی و انجام رفتارهای خارج از محدوده مجاز شرعی، زمینه را برای ضربه به روابط عاطفی مثبت اعضای خانواده و بروز اختلاف می‌شود. در آیات و روایات اسلامی، بدحجابی یا بی‌حجابی زن عدم پاکدامنی زن، زنا، سخن‌چینی، چشم‌چرانی، غیبت، تهمت و تمسخر، عدم رازداری زن، شراب-خواری، ترک وظایف دینی، به‌ویژه نماز، نسبت ناروای بی‌عفتی، به‌ویژه به زنان پاکدامن و... به عنوان عوامل بروز اختلافات خانوادگی و فروپاشی آن یادآور شده است.

۱. «مَنْ كَثُرَ لَهْوُهُ اسْتَحْمِقَ». (همان: ۳۰۶۷)

۲. «أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ النِّجَاحِ الْمُسْتَهْتَرُ بِاللَّهْوِ وَالْمِزَاجِ». (آمدی، همان: ۳۳۳۳)

۳. «الْمُؤْمِنُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مَفَاكِهِةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ»؛ «الهِوَا وَ الْعِبْوَا فَاتِي أَكَرَهُ أَنْ يَرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةً». (مجلسی، ۵۹/۷۶؛ ری شهری، همان: ۵۳۶۰)

## منابع و مأخذ:

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۲ق)، من لایحضره الفقیه، تهران: مکتبه الصدوق.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)، جامعه شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- انصاری، مرتضی (۱۳۹۴)، مکاسب، قم: حقوق اسلامی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم محقق: درایتی، مصطفی، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
- ستیر، ویرجینیا(، آدم سازی در روان شناسی خانواده، مترجم بهروز بیرشک، ناشر رشد.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عسگری، حسین (۱۳۸۰)، نقش بهداشت روان در ازدواج، تهران: گفتگو.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲)، آسیب شناسی اجتماعی ستیزه های خانواده و طلاق، نشر منصوری.
- قائمی، علی (۱۳۶۳)، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۵)، بچه های اعتیاد، چ ۲، تهران: روشنگران.
- کریمی، ندا (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه شناختی علل و پیامدهای اجتماعی طلاق و راه های پیشگیری آن»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۱۳۵.

- کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷)، اصول کافی، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، عوامل اجتماعی طلاق، قم: مطبوعات دینی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا.
- محمدرضا ضمیری، «مشروب‌خواری مردان جرمی علیه زنان و خانواده»، کتاب زنان، شماره ۲۰، ص ۲۰.
- محمدی ری‌شهری (۱۳۷۵)، محمد، میزان الحکمة، قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میراحمدی زاده، علیرضا (۱۳۸۲)، «رضامندی زناشویی»، نشریه اندیشه و رفتار، سال هشتم، ش ۴.